



نحوه برخورد امام صادق(ع) با مخالفین اعتقادی / اهتمام به تربیت نفوس

تربیت هزاران شاگرد و مناظرات مختلف علمی و دینی با پیروان تفکرات و فرق مختلف، سرفصل اصلی عصر امام صادق(ع) که دوره بروز و رشد نحله ها و مکاتب فکری، اعتقادی و مذاهب فقهی است، به شمار می رود.

تربیت هزاران شاگرد و مناظرات مختلف علمی و دینی با پیروان تفکرات و فرق مختلف، سرفصل اصلی عصر امام صادق(ع) که دوره بروز و رشد نحله ها و مکاتب فکری، اعتقادی و مذاهب فقهی است، به شمار می رود.

تربیت هزاران شاگرد تا مرتبه اجتهاد و مناظرات مختلف علمی و دینی با پیروان تفکرات و فرق مختلف، سرفصل اصلی دوران امامت امام صادق(ع) است. بازخوانی شیوه رفتار امام صادق(ع) در کلاس های درس و نوع رفتار ایشان با نحله های مختلف فکری، کمک می کند تا با شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) علیه طاغوت بیشتر آشنا شویم.

در همین خصوص با حجت الاسلام محمد رضا جباری درباره نحوه مواجهه امام صادق(ع) در مناظرات علمی با مخالفین و فرق دیگر، به گفت و گو نشستیم. حجت الاسلام جباری مدیر گروه تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و استاد مراکز تخصصی از جمله مرکز تخصصی تاریخ و حوزه علمیه، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، جامعه المصطفی، دانشگاه تهران و دانشگاه قم است.

همچنین حجت الاسلام چوبچیان کارشناس مسائل دینی به سوالاتی پیرامون شاگردان امام صادق(ع) پاسخ داده است. مشروح این دو گفتگو را در ادامه می خوانید.

فرقه ها و گروه های انحرافی در زمان امام صادق(ع)

حجت اسلام جباری در پاسخ به سوالی در مورد اینکه امام صادق(ع) در دوره حیات خودشان با چه مخالفین و چه فرقه و گروه های انحرافی روبه رو بودند؟ گفت: عصر امام صادق(ع) دوره بروز و رشد نحله ها و مکاتب فکری، اعتقادی و مذاهب فقهی است. در دوره این امام هنوز خوارج به عنوان یک گروه سیاسی و فکری فعالیت می کردند. همچنین در دوره امام صادق(ع)، گروه مرجئه هم بود که پیشینه اش به قرن اول برمی گشت و این گروه در راستای اهداف دستگاه خلافت بنی امیه فعالیت می کرد. معتزله هم در قرن دوم از دل گروه مرجئه پدید آمد.

وی افزود: همچنین در دوره امام صادق(ع) کم کم گروه های فقهی هم به وجود آمدند، گروه هایی که البته پیشینه شان به قرن اول و انحراف ایجادشده از خط امامت پس از رسول اکرم(ص) برمی گشت. در دوره امام صادق(ع) افرادی همچون ابوحنیفه و مالک بن انس در عرصه فقه خود نمایی کردند. این دو هنوز هم پیروان زیادی را در میان مسلمانان اهل سنت دارند و با وجود اینکه مخالف امام صادق(ع) بودند، اما با ایشان ارتباط داشتند. محمد ادریس شافعی و احمد بن حنبل از امامان مذاهب اهل سنت هم گرچه معاصر امام صادق(ع) نبودند، اما از شاگردان این امام حدیث آموختند.

این کارشناس دینی ادامه داد: در زمان امام صادق(ع) افرادی بودند که جزو مادی گراها به شما می رفتند و خدا را قبول نداشتند، آنها اصطلاحاً جزو زنداقه به حساب می آمدند، مثلاً ابن ابی العوجاء یکی از زندیق های معروف عصر امام صادق(ع) بود.

مواجهه امام با مخالفین

جباری در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه امام صادق(ع) چگونه با مخالفین خود رفتار می نمود، گفت: یک اصل کلی که امام صادق(ع) در برخورد با مخالفان فکری و اعتقادی داشتند، بحث تبیین، روشن گری و ارتباط بود تا با این راه بتوانند حداکثر هدایت و ارشاد را در شخص مقابل داشته باشند. امام صادق(ع) این شیوه را هم در برابر غیر شیعه و هم در برابر غیر مسلمانان و زندیق داشتند.

وی ادامه داد: به عنوان مثال مالک بن انس از شیعیان امام صادق(ع) نبود، اما او که در مدینه ساکن بود، با امام صادق(ع) ارتباط داشت و به خانه ایشان می رفت. خود این رفت و آمد مالک به خانه امام صادق(ع) نشان می دهد که امام به او روی خوش نشان می داد. مالک بن انس می گوید که من به صورت مستمر به محضر امام صادق(ع) می رسیدم و ایشان به من احترام می گذاشت و امام صادق(ع) به من می گفت که من، تو را دوست دارم.

مدیر گروه تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گفت: امام صادق(ع) از این برخورد اسلامی و قرآنی برای جذب اخلاقی مخالف استفاده می کند. مالک بن انس گرچه جزو سران مخالفین بود، اما از لحاظ اخلاقی تحت تاثیر امام صادق(ع) قرار گرفت و مدح ایشان را می کرد. مالک می گوید که من هرگاه من بر امام صادق(ع) وارد می شدم، ایشان با من گرم می گرفت و مرا در جای خوبی می نشاند. مالک همچنین در سفر حجی با امام صادق(ع) بود و حالات عرفانی ایشان را پس از این سفر برای دیگران توضیح داد.

رفتار نرم امام صادق(ع) با ابوحنیفه

وی افزود: شبیه این رفتارها را در مناظرات امام صادق(ع) با ابوحنیفه هم شاهد هستیم که امام تا آن جایی که ممکن بود، رفتار نرمی را با ابوحنیفه داشتند. همینطور در رفتار امام صادق(ع) با زنداقه و مخالفان غیرمسلمان هم شاهد چنین برخوردهایی هستیم. البته باید توجه داشته باشیم که رفتار امام صادق(ع) همیشه اینگونه نبود. در مواردی هم امام در عین داشتن رفتار نرم

با طرف مقابل، حجت را بر او تمام کرد و پس از آن لازم بود که امام صادق(ع) یک برخورد تند و تشر به طرف مقابل بزند تا او بیدار شود.

جباری با اشاره به مناظرات امام صادق(ع) گفت: امام صادق(ع) با ابوحنیفه مناظره کرد، ایشان همچنین با فقهای زمان خود و حتی زندیق ها هم مناظراتی داشته اند. امام صادق(ع) علاوه بر اینکه خودشان مناظره می کردند، فن مناظره را به اصحاب خود همچون مفصل و هشام بن حکم تعلیم دادند، هشام بن حکم یکی از مناظره کننده های قوی در عصر خودش بود. البته امام صادق(ع) برخی از اصحاب خودشان که توانایی مناظره نداشتند را از این کار نهی می کردند.

وی ادامه داد: یک اصل در برخورد امام صادق(ع) با مخالفان، تبیین حقیقت مذهب از سوی ایشان بود. امام صادق(ع) در مناظرات از شیوه بیان نرم و استدلالی استفاده می کردند و این مناظرات تاثیرگذار بود و حتی مواردی هم به تشیع مخالفان منجر شد، به عنوان مثال می توان در این خصوص به مناظره امام صادق(ع) با مرد شامی اشاره کرد. شام در آن زمان تحت تاثیر بنی امیه بود، یکی از مردان شهر شام با سفر به مدینه از امام صادق(ع) خواست که با او مناظره کند. امام در نزد اصحاب برجسته خود همچون هشام بن حکم نشسته بود و به آن مرد شامی گفت که بیا با اصحاب من مناظره کن، اگر بر آنها غالب شدی، بر من هم غلبه خواهی کرد. سپس امام صادق(ع) به او گفت که در چه زمینه ای می خواهی مناظره کنی، امام اصحاب خود را در زمینه های مختلف از جمله فقه، متخصص بار آورده بود. در نهایت آن مرد شامی در مناظره با اصحاب امام صادق(ع) مغلوب شد و پس به امام گفت که من را از اصحاب خود قرار بده و امام صادق(ع) هم به اصحاب خودشان گفتند که این مرد شامی را تعلیم بدهید.

درس هایی از سیره امام صادق(ع)

این کارشناس دینی در مورد درس های سیره امام صادق(ع) گفت: اصل اول در برخورد با مخالفان که یک اصل قرآنی است و از سیره معصومان گرفته شده، ارتباط بیشتر است. ما باید بین مخالفان فکری و معاندین تفاوت قائل شویم، در برخورد با دشمنان و معاندین مجال بحث، مناظره و گفت گو نیست و باید به صورت عملی با او برخورد کنیم، به عنوان مثال داعش به خون شیعه تشنه است و در برخورد با داعش مناظره مطرح نیست. اما در برخورد با مخالف فکری و اعتقادی باید با او نرم سخن گفت. امام علی(ع) تا زمانی که خوارج دست به سلاح نبردند، با آنها گفتگو می کرد. امام صادق(ع) هم با مخالفان فکری و اعتقادی خود به نرمی سخن می گفتند و با آنها مناظره می کردند و استدلال های امام در وجود این مخالفان تاثیر می گذاشت. بخشی از مناظرات امام صادق(ع) را مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج جمع آوری کرده است.

نگاه بزرگان اهل سنت نسبت به امام صادق(ع)

حجت الاسلام چوپچیان در مورد نوع نگاه بزرگان اهل سنت نسبت به امام صادق(ع) گفت: امام احمد غزالی جمله ای در مورد امام صادق(ع) دارد که می گوید «و ما روی عن الباقر و الصادق(ع) الا عن قوه ولایتهم» یعنی آنچه که از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده از منبع ولایت ایشان است. یک دانشمند و امام اهل سنت عظمت علمی امام صادق(ع) را اولاً تایید می کند و در ثانی می گوید آنچه بر زبان امام جاری می شود از جنس علم اکتسابی نیست بلکه از قوه ولایت اوست. این اعتراف نشان می دهد که وجود نورانی امام صادق(ع) و کلمات ایشان مافوق کلام بشر است. لذا کلام اهل بیت همانطور که در روایات هم آمده است مافوق مخلوق و دون خالق است. یعنی با قرآن اندکی فاصله دارد. امام محمد غزالی به عنوان کسی که اهل علم است این ویژگی را درک می کند.

وی افزود: اشاره ای که امام محمد غزالی در مورد علم امام نموده است در تعبیر قرآن به علم لدنی معرفی شده است. «وَعَلَّمَآهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» که این علمی از طریق بخشش مستقیم حضرت حق است. علم حضرت حق بی پایان است و از همان جنس علم بی پایان خود به ائمه(ع) بخشیده است. این جملات گویای این حقیقت است که پیشوای مذهب جعفری تمام اصول اساسی این مکتب را بر مدار علمی قرار داده که از علم الهی سرچشمه گرفته است.

چوپچیان ادامه داد: مالک ابن انس رئیس فرقه مالکی اهل سنت در مورد امام صادق(ع) می گوید «و ما رات عین و لا سمعت اذن ولا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق علماً و عبادة و ورعاً» یعنی چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر قلب بشری خطور نکرده که از حضرت صادق(ع) برتر و با فضیلت تر باشد. او از سه جهت برتری دارد اول از حیث علم، دوم از حیث عبادت و سوم از حیث ورع که مقامی بالاتر از تقواست. مالک ابن انس می گوید هر کس که به سراغ امام صادق می رفت حضرت را در یکی از این سه حال می دید که یا روزه دار بودند، یا در حال نماز بودند و یا در حال ذکر خدا بوده اند.

وی افزود: چون امام صادق از علمی بهره مند بودند که لایتنهای بوده، بیانات ایشان برای همه کسانی که در مراتب مختلف علمی قرار داشتند قابل استفاده بوده است. کما اینکه مکتب علمی امام صادق(ع) مکتبی است که از شیمی دان تا افرادی در علوم دیگر بتوانند استفاده کنند. مانند جابر ابن حیان که در حیطه خود توانسته از مکتب امام صادق استفاده کند، و یا مانند هشام ابن حکم که دانشمندی برجسته و متکلمی بزرگ است و بیانی شیوا و رسا دارد و در فن مناظره فوق العاده زبردست بوده است.

الگوی مکتب علمی امام صادق(ع)

این کارشناس دینی ادامه داد: یکی از وظیفه های اهل بیت تربیت نفوس است. الگوی مکتب علمی امام صادق(ع) این است که با آنکه حضرت در زمان بنی عباس در شرایط تقیه به سر می بردند، به گونه ای فضای علمی در جامعه به وجود آوردند که این فضا حتی مخالفین در مذهب را هم به سوی ایشان جذب کرده است. امام شاگردان خود را به گونه ای تربیت کرده که در مقابل حرف مخالفین عمل منفعلانه انجام ندهند بلکه حرف مخالف را گوش دهند و به آن پاسخ گویند.

چوپچیان افزود: جمله ای از ابوشاکر دیسانی آمده است که در آن دوران دهری یا مادی گرا بود. او وقتی با اعتراض یکی از شاگردان حضرت مواجه شد خود اقرار می کند و می گوید که تو اگر شاگرد جعفر صادق(ع) هستی، او هر باری که با ما مناظره می کند ما اعتقادات خود را می گوییم و پس از آن ایشان در کمترین جمله و به کمترین اشاره تمام آنچه ما بافته بودیم را از بین می برد ولی با حلم برخورد می کند.

وی ادامه داد: منظور بنده از بیان این مطلب این است که فضاهای علمی باید به گونه ای اداره شود که هم فرصت به مخالفین برای صحبت کردن داده شود و هم برخورد علمی و نقادانه با آن داشت. رهبر انقلاب بیانی که در مورد کرسی های آزاداندیشی دارند دقیقاً به این مطلب اشاره دارد که همه می توانند نظرات خود را بگویند و باید به آنها پاسخ داد.

این کارشناس دینی در پایان گفت: امام صادق(ع) شاگردانی مانند هشام ابن سالم تربیت کرده اند که او جواب بسیاری از کسانی که برای سوال خدمت حضرت می رسیدند را می داده است. از محدثین عالی مقام مثل جناب سفیان بن عیینه یا جناب ابن جریج که از شاگردان بارز امام بودند. شاگرد علم توحید امام جناب جابر ابن حیان است که پانصد رساله در رشته های تفسیر و حدیث و کلام و... دارد. زراره نیز از جمله شاگردان حضرت است که فن مناظره بسیار عالی داشته است. حضرت با وجود طاغوت زمانه ای مثل بنی عباس این همه شاگرد را تربیت نموده است.

ویژگی های تشکیلاتی مکتب امام صادق(ع)

سید محمد آذین دین پژوه و کارشناس حوزه ادیان و مذاهب با بیان ویژگی های تشکیلاتی مکتب امام صادق(ع) گفت: امام صادق(ع) را رئیس مذهب شیعه می دانند؛ دلیل این موضوع این بوده است که در دوران ایشان دانشگاه شیعه پروری تشکیل می شود و هزاران شاگرد زیر دست ایشان پرورش داده می شوند و به صورت غیر مستقیم نیز آنها در شهرهای خود باورها و احادیث را منتقل می کردند. بنابراین در زمان امام صادق(ع) مبانی و اندیشه شیعی در بیشتر حوزه های سیاسی و اجتماعی و باورهای عقیدتی خود را نشان می دهد؛ یعنی در دوران امام صادق(ع) با توجه به آزادی نسبی پیش آمده به دلیل درگیری های داخلی امویان و عباسیان، نسل قابل ملاحظه ای از شاگردان امام پرورش پیدا می کنند که در دوران بعدی اهمیت آنها را بیشتر متوجه می شویم.

وی افزود: شاید اگر دوران امام صادق(ع) نبود، ما در دوران غیبت امام عصر(عج) بلاتکلیف بودیم و شرایط سخت تری را در دوران ابتدای غیبت امام زمان(عج) تجربه می کردیم. به خاطر اینکه از دوران امام صادق(ع) مجتهد پروری به معنای واقعی کلمه شکل می گیرد و شاگردان ایشان به قدرت اجتهاد رسیدند که آن ها منظومه فکری شیعی را به مردم معرفی می کردند. تا قبل از این زمان، ما چیزی نداشتیم و فقط روایات پراکنده ای بود که دهان به دهان منتقل می شده است و قدرت اجتهاد چیزی نبود که آموزش داده شود؛ ولی در دوران امام صادق(ع) قدرت اجتهاد به شاگردان آموزش داده می شد.

این کارشناس دینی ادامه داد: امام صادق(ع) روش فکری را به شاگردان خود تعلیم دادند تا در طول نسل های مختلف، این روش منتقل شود؛ چراکه در دوران امام جواد(ع) و امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) این امامان معصوم محدودیت هایی برای ارتباط با پیروان خود داشتند و در آن دوران قدرت اجتهاد به داد شیعیان رسید و ائمه اطهار(س) در موارد زیادی مردم را به قدرت اجتهاد شاگردان خود ارجاع می دادند.

وی افزود: از این جهت امام صادق(ع) تشکیلات اجتهاد را به معنای واقعی بنا نهادند و تأکید داشتند که ما اصول را بیان می کنیم و دانشمندان شیعه و مسلمانان با توجه به مقتضیات زمان، فروع دین را کشف کنند.

شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) برای زنده نگه داشتن دین

سید محمد آذین در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه شیوه مبارزاتی امام صادق(ع) برای زنده نگه داشتن دین چگونه بود؟ گفت: امام صادق(ع) با وجود تقیه، زاویه خود را با مخالفان خود و کسانی که نحله فکری دیگری داشتند، نشان می دادند؛ یکی از افراد بنام اهل سنت ابوحنیفه از شاگردان ممتاز امام صادق(ع) بود. امام(ع) ابایی از این نداشتند که اختلاف نظر خود را با او به طرفدارانشان نشان دهند.

وی در پایان اظهار داشت: امام صادق(ع) با وجود تقیه ای که داشتند اما در اصول کلی دین هیچ گاه تقیه نمی کردند؛ لذا خط مشی فکری و اعتقادی شیعه از این دوران شکل گرفت و روشن شد که یک فرد شیعه چه فکر می کند و چه باورهایی دارد و از این جهت سازوکار تشکیلاتی امام صادق(ع) کاملاً مبتنی بر آموزش و پرورش شاگردانی بود تا بتوانند با توجه به اصول و روح دین، احکام دین را استنباط کنند. در واقع امام صادق(ع) به دنبال این بودند که نسل های آینده به قدرت استنباط برسند.